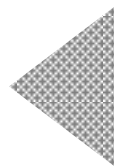


آزادی اقتصادی در قرآن و دیدگاه‌های رایج



سعیده علیزاده^۱

مرتضی عزتی^۲

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۵/۲۵ - تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۷/۹)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده:

آزادی یک اصل اساسی در زندگی اجتماعی است و دیدگاه‌های مختلفی درباره آزادی اقتصادی وجود دارد. همچنین برخی اندیشمندان مسلمان نیز در این زمینه دیدگاه‌هایی ارایه کرده‌اند. به نظر می‌رسد می‌توان از قرآن نیز برداشتی برای آزادی اقتصادی به دست آورد. به نظر می‌رسد با به دست آوردن برداشت قرآنی می‌توان درباره بسیاری از دیدگاه‌های موجود ارزیابی بهتری داشت. از این رو در این مقاله تلاش می‌شود دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان و دیدگاه‌های رایج دیگر استخراج شود. سپس برداشت از قرآن از متن آیه‌های قرآن به دست آورده شود و آن را با دیدگاه‌های یاد شده مقایسه کرد. در پایان نیز جمع‌بندی مقایسه‌ای ارایه می‌شود. نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد برخی از اندیشمندان مسلمان اصل آزادی اقتصادی را در اسلام

^۱ - استادیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) saeedeh.alizadeh@modares.ac.ir

^۲ - دانشیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

مردود می‌دانند و آن را قابل پذیرش نمی‌دانند. در برابر این، برخی نیز آزادی اقتصادی را در زمینه‌های انتخاب فعالیت اقتصادی، مالکیت و مصرف در اسلام اصل می‌دانند. قرآن نیز یک چارچوب اخلاقی را برای آزادی ارایه می‌کند که در آن اصل اساسی آزادی‌های اقتصادی در فعالیت (شغل و کسب و کار)، مالکیت و درآمد برقرار است. محدودیت‌های آزادی اقتصادی در قرآن نیز در چارچوب محدودیت‌های اخلاقی است (فعالیت‌هایی که درآمد غیر اخلاقی ایجاد می‌کند، مالکیت دارایی‌های دیگران و مصرف کالاهایی که برای انسان یا جامعه زیان دارد، محورهای اصلی این محدودیت‌ها هستند) که بر مبنای هدف دین در قرآن ارایه شده است.

کلیدواژه‌ها: آزادی اقتصادی، قرآن، اخلاق.

طبقه‌بندی JEL: A۱۳, D۷۲, Z۱۲

۱. مقدمه

هر چند آزادی یک اصل اساسی برای انسان‌ها است، ولی برخی دیدگاه‌ها وجود دارند که آزادی را نفی می‌کنند و با آن مخالفت می‌کنند. برخی نیز با توجه‌هایی آن را زیان‌بار می‌دانند. در برابر اینها برخی اندیشمندان آزادی را بسیار مفید و مایه رشد و تعالی انسان‌ها و جامعه می‌دانند. در این حال آزادی اقتصادی یک بعد بسیار مهم از آزادی است که درباره آن نیز دیدگاه‌های متفاوتی ارایه شده است. برخی اندیشمندان مسلمان با آزادی اقتصادی مخالفت کرده‌اند و آن را با اسلام مغایر می‌دانند. در حالی که برخی نیز آزادی اقتصادی را در اسلام یک اصل می‌دانند. در کنار اینها دیدگاه‌های کلی حاکم در جهان امروز نیز درباره آزادی اقتصادی متفاوت هستند. دیدگاه کمونسم و سوسیالیسم با آزادی اقتصادی مخالف و دیدگاه‌های لیبرال با آزادی اقتصادی موافق هستند. در این حال با نگاه و تعمق در قرآن می‌توان دریافت که در قرآن آزادی و آزادی اقتصادی پذیرفته شده است. اینکه قرآن چگونه آزادی‌ای را پذیرفته و آزادی اقتصادی قرآنی با آزادی اقتصادی در دیدگاه‌های دیگر چه تفاوتی دارد یک مساله مهم است. با دستیابی به ابعاد آزادی اقتصادی مورد پذیرش در قرآن می‌توان آن را مبنا و ملاک قرار داد تا دیدگاه‌های دیگر به ویژه دیدگاه‌های مطرح شده با نام اسلامی را ارزیابی کرد. از این رو در این

مقاله با مرور بر دیدگاه‌های مختلف درباره آزادی اقتصادی و ابعاد آن و استخراج آزادی اقتصادی و ابعاد آن در قرآن به مقایسه این دیدگاه‌ها با دیدگاه پذیرفته شد قرآنی پرداخته می‌شود. بر این پایه در این مقاله نخست مروری بر پیشینه آزادی اقتصادی در دیدگاه‌های مختلف می‌شود. سپس اشاره به روش و در پی آن ابعاد آزادی اقتصادی در دیدگاه اندیشمندان مختلف استخراج می‌شود. آنگاه به آزادی اقتصادی در قرآن پرداخته می‌شود و در جمع‌بندی، مقایسه دیدگاه‌های مختلف انجام می‌شود.

۲. پیشینه

موضوع آزادی اقتصادی پیشینه گسترده‌ای دارد. می‌توان بررسی‌ها و نوشته‌های این موضوع را به چند دسته تقسیم کرد. از نوشته‌هایی که پیرامون موضوع آزادی اقتصادی ارایه شده‌اند، یک دسته در فضای اقتصاد سستی یا متعارف هستند. دسته دوم نوشته‌هایی هستند که درباره آزادی اقتصادی با برداشت‌هایی به نام اسلام منتشر شده‌اند. از میان این نوشته‌های گسترده، تنها تعداد اندکی به تمرکز بر آزادی اقتصادی پرداخته‌اند. بیشتر اینها به موضوع‌های کلی اقتصاد در اسلام، نظام اقتصادی اسلامی و مانند اینها پرداخته و در بخشی از مطالب به آزادی اقتصادی در اسلام اشاره کرده‌اند. از این دسته بررسی‌ها می‌توان به بررسی‌های نمازی (۱۳۷۴، ۲۳۷-۲۳۴)، نصیری (۱۳۹۸، ۱۴۲-۱۳۱)، میرمعزی (۱۳۸۷، ۳۷-۶۲)، غفاری (۱۳۹۹، ۸۴-۸۱)، اسحاقی (۱۳۸۳، ۵۴-۳۳)، قحف (۱۳۷۶، ۶۱-۵۷)، قحف (۱۳۸۴، ۱۶۴-۱۶۲)، یوسفی (۱۳۹۱، ۱۶-۱)، محبی (۱۳۸۵، ۲۰۸-۱۸۱)، و مظفری (۱۳۸۸، ۲۰۵-۱۸۶) اشاره کرد.

دسته سوم به موضوع آزادی اقتصادی در قرآن پرداخته‌اند. برخی تنها موضوع آزادی اقتصادی در قرآن را مطرح کرده‌اند و برخی نیز در بخشی از بحث اقتصاد در قرآن به آزادی اقتصادی در قرآن پرداخته‌اند. برخی از این مطالعات به ۳ بعد اصلی موضوع (تعریف آزادی اقتصادی، ابعاد آزادی اقتصادی، محدودیت آزادی اقتصادی) و برخی فقط به یک یا دو بعد از بحث آزادی اقتصادی در قرآن پرداخته‌اند. در ادامه نگاهی گذرا به ابعاد موضوع آزادی اقتصادی در این بررسی‌ها می‌شود.

کهنوجی (۱۳۹۰، ۲۰۷-۱۸۵) با استناد به آیات ۱۰ سوره جمعه، ۱۱۴ سوره نحل و ۳۷ سوره نور به موضوع آزادی اقتصادی در قرآن می‌پردازد. او به دو بحث تعریف آزادی اقتصادی از نگاه قرآن و ابعاد آزادی اقتصادی پرداخته است. وی بیان می‌کند که آزادی اقتصادی در قرآن به معنای آزادی هرگونه فعالیت اقتصادی در زمینه تولید، توزیع و مصرف به شرط رعایت حدود الهی است. در واقع آزادی اقتصادی بخشی از آزادی حقوقی است که فقط فعالیت‌های اقتصادی را شامل می‌شود و معنای آن، آزاد بودن افراد در برابر دولت است. بر این اساس افراد حق انتخاب شغل، حق مالکیت خصوصی درآمد و دارایی، حق افزودن بر دارایی از راه سرمایه‌گذاری، حق مبادله اموال با دیگران، حق مصرف درآمد را مطابق اراده خود دارند.

دهش‌ور و همکاران (۱۳۶۶، ۲۲۸-۲۰۵). در مطالعه خود به دو جنبه از آزادی اقتصادی در قرآن (آزادی مالکیت و آزادی مصرف و محدودیت‌های آزادی اقتصادی پرداخته است. ایشان با استناد به آیات ۱۸۸، ۲۷۶ و ۲۷۸ بقره، ۱۳۰ آل عمران، ۳۹ روم و ۱۶۰ نسا به بررسی ممنوعیت ربا، با استناد به آیات ۴۲-۶۲ و ۶۳ مائده به بررسی ممنوعیت رشوه، با استناد به آیات ۲۱۹ بقره، ۳۸-۹۰ و ۹۱ مائده به ممنوعیت دزدی و قمار، با استناد به آیات ۱۴۷ آل عمران، ۶ نسا، ۱۴۱ انعام، ۳۱ اعراف، ۱۲ یونس، ۱۲۷ طه، ۹ انبیاء، ۱۵۱ شعرا، ۴۳ مومن، ۵ زخرف، ۳۰ دخان و ۳۳ ذاریات به توضیح محدودیت مصرف و بحث اسراف، با استناد به آیه ۲۶ اسرا به بررسی بحث تبذیر، با استناد به آیات ۱۳۶ انعام، ۱۱۴ نحل، ۲۷-۳۰-۳۴ حج به بررسی بحث خوراک‌های حلال و حرام و با استناد به آیات ۱۸۸ بقره، ۲۹ و ۱۶۰ نسا، ۳۴ توبه و ۱۵ فجر به بحث آزادی مالکیت (یکی از ابعاد آزادی اقتصادی) پرداخته‌اند.

ابراهیمی (۱۳۷۵، ۱۲۴-۷۴) به یک جنبه از آزادی اقتصادی (محدودیت‌های آزادی اقتصادی) پرداخته است. ابراهیمی با استناد به آیه ۲۱۹ بقره ممنوعیت برخی فعالیت اقتصادی (قمار و تولید و درآمد از طریق فروش شراب) و محدودیت مصرف شراب و هرگونه مست کننده، با استناد به آیات ۱۳۰ آل عمران و ۲۷۹ بقره ممنوعیت درآمد حاصل از ربا، با استناد به آیات ۳۵ اسرا، ۸۵ هود، ۱۸۱ و ۱۸۲ شعرا و ۱ مطففین لزوم مراعات در کیل و وزن و ممنوعیت کم فروشی (اخلاق کسب و کار)، با استناد به آیات ۱۵۱ و ۱۵۲ شعرا و ۱۴۱ انعام ممنوعیت

اسراف و محدودیت مصرف و با استناد به آیه ۱۸۸ بقره ممنوعیت رشوه را نتیجه گرفته است.

موسوی اصفهانی (۱۳۶۸، ۳۶۳-۳۲۸) در بررسی خود به دو جنبه از آزادی اقتصادی (ابعاد آزادی اقتصادی و محدودیت های آزادی اقتصادی) پرداخته است. اصفهانی با استناد به آیات ۱۹۸ بقره، ۱۰ اعراف، ۱۹ و ۲۰ حجر، ۱۲ اسرا و ۱۰ جمعه به ابعاد آزادی اقتصادی (آزادی مالکیت و آزادی کسب و پیشه)، با استناد به آیات ۲۹-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۲ بقره، ۱۴۵ انعام، ۸۱ طه و ۱۵ ملک به ابعاد آزادی اقتصادی (آزادی مصرف)، با استناد به آیات ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۸ و ۲۷۹ بقره، ۱۳۰ آل عمران، ۳۹ رم و ۱۶۰ و ۱۶۱ نسا به ممنوعیت درآمدهای حاصل از ربا، با استناد به آیات ۱۸۸ بقره، ۲۹ نسا، ۴۲-۶۲ و ۶۳ مائده به موضوع اکل به باطل، با استناد به آیات ۲ مائده، ۱۲۰ توبه و ۲۹ فتح به ممنوعیت فروش و کسب درآمد از کالاهای ممنوعه، با استناد به آیات ۱۶ انبیا، ۳۰ حج، ۷۲ فرقان، ۶ لقمان و ۱۱ جمعه به ممنوعیت درآمد و مصرف از طریق آلات لهو و لعب، با استناد به آیات ۴۲-۱۵۹-۱۷۴ بقره، ۷۷ مائده، ۷۲ فرقان، ۶ لقمان، ۲۹ فصلت به ممنوعیت فعالیت های اقتصادی از طریق کتب ضاله و هر وسیله گمراه کننده، با استناد به آیات ۱۸۸ بقره و ۴۲ مائده به ممنوعیت رشوه و با استناد به آیات ۱۴۱ انعام، ۲۶ و ۲۷ اسرا، ۱۵۱ و ۱۵۲ شعرا، ۳۱ اعراف و ۶۷ فرقان به ممنوعیت اسراف و تبذیر اشاره می کند.

اسلامی (۱۳۸۲، ۱۵۹-۱۳۶) در مطالعه خود به یک جنبه از آزادی (تعریف آزادی) اشاره می کند. اسلامی بیان می کند، تعریف آزادی به معنای «رهایی از پرستش غیر خدا» که برگرفته از بنیادی ترین شعار اسلامی لا اله الا الله است. در این تعریف به دو نوع آزادی منفی و مثبت اشاره شده است در گام نخست، انسان باید خود را از قید و بند هر آنچه جان و تن او را به اسارت، بردگی و بندگی گرفته است برهاند و در گام بعدی با تعقل، خردورزی و آگاهی، باور، عقیده، مذهب و اسلوب و شیوه درست حیات فردی، اجتماعی و سیاسی را برگزیند و خود صاحب اختیار و رقم زننده سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش باشد.

میر احمدی (۱۳۸۰، ۱۲۳-۱۱۰). وی در مطالعه خود به دو جنبه از آزادی (تعریف آزادی و ابعاد آزادی) اشاره می کند. میر احمدی آزادی را این گونه تعریف می کند: انسان از انسان های

دیگر، امیال و هواهای نفسانی و طبیعت برای رسیدن به رشد و تکامل، توحید و خداآوری، عدالت و شناخت و آگاهی، آزاد و رها است. اقسام و مصادیق به دست آمده از این تحلیل مفهومی عبارتند از: آزادی اجتماعی - سیاسی، آزادی معنوی و آزادی شناختی. روشن است که این اقسام، اقسام انحصاری آزادی در قرآن نیست، هر یک از این سه می‌تواند خود مصداق و نوعی را شامل شود. از دیدگاه قرآن، انسان برای رسیدن به رشد و تکامل باید از دخالت و سلطه انسان‌های دیگر، امیال و هواهای نفسانی و طبیعت آزاد و رها باشد. انسان واقعی و آرمانی از دیدگاه قرآن انسانی است که دارای چنین وصف آزادی است.

۳. روش

در این بررسی سه دسته داده داریم: یکی نوشته‌های به‌جا مانده از ۴ اندیشمند مسلمان (سید قطب، بهشتی، صدر و مطهری) درباره آزادی اقتصادی، متون مربوط به آزادی اقتصادی در دیدگاه‌های رایج (هایک، لیرال)، رالز (سوسیال لیبرال) و کمونیسیم) و دیگری، آیه‌های قرآن درباره آزادی اقتصادی. این داده‌ها از منابع اصلی آن یعنی متن‌های نوشته‌های این ۴ اندیشمند، متون مربوط به سه دیدگاه‌های رایج منتخب و نیز متن قرآن استخراج می‌شود. جستجو در متن نوشتارهای منتسب به این ۴ اندیشمند درباره موضوع‌های اقتصادی و اجتماعی انجام می‌شود و هر جا متن یا بخشی از متن درباره آزادی اقتصادی است، مستند قرار می‌گیرد. تجزیه و تحلیل بر روی ۳ مولفه کلیدی آزادی اقتصادی (تعریف، ابعاد و محدودیت آزادی اقتصادی) در دیدگاه‌های ۴ اندیشمند و سه دیدگاه رایج منتخب با قرآن انجام می‌شود. انطباق و اختلاف این دیدگاه‌ها با هم و با قرآن نیز برجسته و ارایه می‌شود. درباره انتخاب این ۴ اندیشمند نیز گفتنی است که ایشان از اندیشمندان علوم اسلامی هستند که درصدد تبیین دیدگاه‌هایشان در زمینه اقتصاد بوده‌اند و آزادی اقتصادی را در چارچوبی با نام نظام اقتصادی اسلامی مطرح کرده‌اند. هر یک از این ۴ اندیشمند با توجه به شرایط زمانی، توانایی‌ها و جایگاه اجتماعی خود با رویکرد ویژه و متفاوت به این تبیین پرداخته‌اند.

۴. بررسی دیدگاه اندیشمندان مسلمان درباره آزادی اقتصادی

در اینجا دیدگاه‌های ۴ اندیشمند مسلمان درباره ۳ بعد آزادی اقتصادی برپایه نوشته‌های آنها استخراج و ارایه می‌شود.

۱.۴. سید قطب

تعریف آزادی اقتصادی. آزادی در اندیشه سید قطب (بی تا (ب)، ۷۲). در مفهوم سلبی آن به معنای رهایی مردم از قیود جامعه جاهلی و خروج از عبودیت انسان و در مفهوم ایجابی آن به معنای تحت فرمانروایی خداوند متعال درآمدن و داخل شدن در عبودیت خداوند تعریف می‌شود. از نظر سید قطب (۱۳۵۲، ۲۴۲). صاحب مال آزاد نیست که هرگونه بخواهد دست خود را ببندد و هرگونه که بخواهد انفاق کند. در اسلام فرد به حال خود واگذار نمی‌شود که هرچه بخواهد بکند. یعنی فرد آزادی در چارچوبی محدود دارد.

ابعاد آزادی اقتصادی. سید قطب (۱۳۵۲، ۲۱۰-۲۰۹) از ابعاد آزادی اقتصادی به دو مورد آزادی مالکیت و آزادی‌های شخصی (انتخاب شغل) اشاره می‌کند. او می‌گوید اسلام مالکیت فردی را محترم می‌شمارد. این حقیقتی است که در آن تردیدی نیست. اسلام در باب اموال، حق مالکیت فردی را با وسایل مشروعه تملک، مسلم دانسته و اجازه همه گونه حق تصرف را برای صاحب مال از فروش، اجاره و رهن، بخشش، وصیت و سایر تصرفات حلال و غیر مخالف با قوانین دین داده است به اعتقاد وی هیچ کس حق تسلب هیچ یک از مصادیق مالکیت فردی را ندارد (سید قطب، ۱۳۵۲، ۲۲۱-۲۱۵). یکی دیگر از مصادیق آزادی اقتصادی آزادی‌های شخصی از جمله انتخاب شغل است که سید قطب ذیل مبحث احتکار به این مصداق از آزادی اشاره می‌کند. وی در این باره معتقد است که از دیدگاه اسلام هریک از افراد جامعه در انتخاب شغل آزادند و سلب چنین حقی از مردم از مصادیق احتکار حرام و عملی ظالمانه محسوب می‌شود. باید دانست که انتخاب مشاغل عمومی برای هر فرد مشروع است و جلوگیری از آن را ظلم می‌داند (سید قطب، بی تا (الف)، ۴۳).

محدودیت آزادی اقتصادی. سید قطب آزادی اقتصادی را به صورت مطلق و خارج از قید

نمی‌پذیرد. او در مسایل اقتصادی به موضوع‌هایی اشاره می‌کند که محدود کننده آزادی اقتصادی است. از آن حد و قیدها (قوانین اسلامی) به ارزش‌های حیاتی اندیشه‌ای سید قطب تعبیر می‌شود. از نگاه وی، تملک و ازدیاد مال از راه‌های غیر مشروع مانند غصب، ربا، قمار، احتکار پذیرفته نیست. در اندیشه سید قطب، کار تنها عامل تملک است. از این رو در هیچ یک از راه‌های نامشروع، کار فردی به معنای واقعی محقق نمی‌شود. به این علت تملکی به وجود نمی‌آید. (سید قطب، بی تا (الف)، ۳۷). مصالح اجتماعی به ویژه عدالت اجتماعی نیز یکی دیگر از محدود کننده‌های آزادی اقتصادی است. حاکم می‌تواند مالیاتی را در اموال مردم قرار دهد و وصول نماید و این اختیار هیچ قیدی جز رعایت مصالح عمومی ملت و تحقق عدالت اجتماعی ندارد (سید قطب، ۱۳۸۷، ج ۲، ۲۷۶). وی آیه ۷ سوره حشر را دلیلی می‌داند که برپایه آن می‌گوید اختلاف طبقاتی از جمله مفاسدی است که باعث از بین رفتن تعادل و توازن در جامعه خواهد شد (سید قطب، ۱۳۸۷، ج ۲، ۲۵۳ و ۲۵۲).

۲.۴. سید محمد حسینی بهشتی

تعریف آزادی اقتصادی. از دیدگاه بهشتی آزادی، توانایی انسان در ساختن سرنوشت فردی و جمعی خود است. وی کلیدی‌ترین بخش تعریف آزادی را مفهوم تسلط انسان بر ساختن خویش و ساختن محیط خویش معرفی می‌کند. او دو معنای متمایز در بحث آزادی مطرح می‌کند: ۱. آزادی به معنای یک نیاز عمیق و اصیل درونی و ۲. آزادی به معنای یک واقعیت اجتماعی (بهشتی، ۱۳۸۸، ۴۰۴). او درباره آزادی اقتصادی می‌گوید اصل در زندگی این است که فرد آزاد بماند و فعالیت‌های اقتصادی او محدود نشود، مگر با محدودیت‌های اقتصادی‌ای که اگر رعایت نشود به آزادی اقتصادی شخص او یا دیگران لطمه بزد (بهشتی، ۱۳۹۰، ۲۱-۲۰-۱۸).

ابعاد آزادی اقتصادی. بهشتی به آزادی مصرف، آزادی سرمایه و آزادی کسب و پیشه (شغل) اشاره دارد. از نظر وی، هنگامی که انسان مالک چیزی است، حق دارد آن را مصرف نماید. در پاسخ به این پرسش که آیا این مصرف حد و اندازه‌ای دارد؟ پاسخ می‌دهد که از نظر

مالکیت حدی نیست، ولی از نظر اخلاقی حد وجود دارد، بدین معنا که صاحب یک درخت از نظر مالکیت می‌تواند تا حداکثر میزان دلخواه خود بهره‌برداری کند، ولی از نظر اخلاقی موظف است که در حد اتلاف بهره‌برداری نکند (بهشتی، ۱۳۷۳، ۴۳). در واقع منطق فطری به مالک حق اتلاف نمی‌دهد و حق تصرف تا مرز اتلاف پیش نمی‌رود. اگر مالک بخواهد ملک خویش را تلف کند، نوعی اعراض تلقی خواهد شد (همان، ۴۸). مساله دیگر بهره‌برداری از مال به صورت سرمایه است. اگر سرمایه به شکل ابزار تولید باشد که ارزش مصرفی جدید تولید کند، باید سهمی از این ارزش مصرفی جدید به سرمایه داده شود. اگر سرمایه به شکل مستغلات باشد، در این حالت سرمایه منشا ارزش مصرفی جدید نیست، ولی خود وسیله‌ای است که می‌توان از آن به عنوان ارزش مصرفی استفاده کرد. اگر سرمایه به شکل سرمایه بازرگانی باشد، گفته می‌شود سرمایه عقیم است زیرا نه خود قابل مصرف است نه زاینده ارزش مصرفی جدید است، از این رو می‌تواند به استعمار زنجیره‌ای و فاصله طبقاتی بینجامد و هیچ مبنای موجه و منطقی ندارد (همان، ۵۸-۵۱). بهشتی درباره آزادی کسب و کار کننده این گونه می‌گوید که آزادی کار کننده باید تا آنجا باشد که نوع فعالیت، کیفیت فعالیت، ساعات کار و نظایر آن اجباری نباشد و از روی انتخاب و با محاسبه و آزادانه صورت بگیرد (همان، ۷۸).

محدودیت آزادی اقتصادی. بهشتی پیرامون منشأ محدودیت‌های وضع شده بر آزادی اقتصادی اینگونه توضیح می‌دهد که محدودیت‌های قانونی آزادی‌های اقتصادی در نظام اسلامی دو ریشه دارند: ۱. آزادی یک فرد تا آنجا بماند که به آزادی دیگران لطمه وارد ننماید و ۲. آزادی‌هایی که محیط را فاسد می‌کند و زمینه را برای رشد و فساد در جامعه آماده می‌کند، جلو این آزادی‌ها نیز باید در نظام اسلامی گرفته شود (بهشتی، ۱۳۹۰، ۹۲-۲۱-۲۰-۱۸).

۳.۴. مرتضی مطهری

تعریف آزادی اقتصادی. تعریف مطهری از آزادی که شامل آزادی اقتصادی، نیز می‌شود چنین است: آزادی یعنی نبود مانع، نبود جبر، نبود هیچ قیدی در سر راه، پس آزادام و می‌توانم

راه کمال خود را طی کنم، نه اینکه چون آزادم به کمال خود رسیده‌ام (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱، ۳۴۹). در واقع مطهری آزادی را نبود مانع جهت دستیابی انسان به رشد و تعالی تعریف می‌کند. از تعریف مطهری می‌توان فهمید که وی آزادی را به معنای نبود مانع بر سر خواسته‌های افراد نمی‌داند، بلکه آزادی را نبود مانع بر سر راه رشد و تعالی انسان توضیح می‌دهد. اسلام درباره آزادی به عنوان یک ارزش اعتراف کرده اما نه ارزش منحصر به فرد، بلکه در دین اسلام آزادی همراه با مسئولیت مطرح شده است.

ابعاد آزادی اقتصادی. اسلام حقوق و آزادی‌های فرد را نادیده نمی‌گیرد و فرد را غیر اصیل نمی‌شمارد. فرد از نظر اسلام چه از نظر سیاسی، اقتصادی، قضایی و اجتماعی، حقوقی دارد. از نظر سیاسی حق مشورت و انتخاب و از نظر اقتصادی حق مالکیت بر محصول کار خود و حق معاوضه و معادله و صدقه و وقف و اجاره، مزارعه و مضاربه و مانند اینها را در مایملک شرعی خود دارد و از نظر قضایی، حق اقامه عدل، احقاق حق و شهادت و از نظر اجتماعی حق شغل، مسکن و رشته تحصیلی و از نظر خانوادگی حق انتخاب همسر دارد (مطهری، ۱۳۷۱، ۱۱۸-۱۱۷). در جای دیگر مطهری در ارتباط با آزادی مالکیت بیان می‌کند که کار علت مالکیت شمرده می‌شود (مطهری، ۱۳۷۰، ۵۳)، وی در بحث آزادی مالکیت به دو نوع مال با تردید نگاه می‌کند. یکی اینکه مالکیت فردی و شخصی سرمایه‌های طبیعی و صناعی را نمی‌پذیرد (مطهری، ۱۳۷۰، ۱۴۳) و مالکیت در این امور را عمومی می‌داند. و دوم اینکه از نظر ایشان مالکیت صنعتی قابل تردید است. وی بیان می‌کند ماشین از آن نظر که مظهر ترقی اجتماع است و محصول ماشین را نمی‌توان غیر مستقیم متعلق به سرمایه‌دار دانست، بلکه محصول غیرمستقیم شعور و نبوغ مخترع است و آثار نبوغ و شعور نمی‌تواند مالک شخصی داشته باشد، پس ماشین‌های تولید نمی‌توانند به اشخاص تعلق داشته باشند، ولی اسلام مالکیت اشتراکی کار را نیز نمی‌پذیرد. (مطهری، ۱۳۷۰، ۵۴-۵۹).

محدودیت آزادی اقتصادی. از نظر مطهری آزادی از جمله آزادی اقتصادی در سه مورد می‌تواند محدود شود:

۱. آنجا که آزادی‌های فرد مخل آزادی دیگران و سلب‌کننده آزادی آنها باشد.

۲. در مواردی که آزادی فرد بر خلاف مصالح عالیه اجتماع باشد، دولت که حافظ مصالح عالیه اجتماع است حق دارد آزادی هایی را به نفع مصالح عالیه اجتماع محدود کند. مالیات اجباری از این قبیل است.

۳. آنجا که حفظ آزادی فردی بر خلاف مصالح مسلم شخصی خودش باشد (مطهری، ۱۳۸۹، الف، ج ۱، صص ۸۶-۸۵).

۴.۴. محمد باقر صدر

تعریف آزادی اقتصادی. در آثار صدر از جهت (تعریف و تحدید آزادی) بحثی دیده نمی شود. با این وجود ایشان در این راستا بیان می کند که مجرد آزادی که انسان بتواند تصرف کند، در بازار به هرسو که می خواهد راه بیفتد، نمی تواند برای او کافی باشد. باید دید چگونه باید گام برداشت. هدف از عبور از بازار چیست؟ انسان اروپایی آزادی را هدف قرار داده است. آزادی خوب است ولی نه به عنوان ایده آل. آزادی قالب است. همراه آزادی ما احتیاج به محتوا داریم. (صدر، ۱۳۸۱، ص ۲۱۹).

ابعاد آزادی اقتصادی. صدر به آزادی مالکیت و آزادی تجارت، اشاراتی داشته است. صدر در ارتباط با آزادی مالکیت بیان می کند که در اسلام سه دسته مالکیت عمومی، خصوصی و دولتی پذیرفته است. وی اصل مالکیت مختلط را می پذیرد. از نظر صدر در کتاب اقتصادنا این حدود و ثغور الهی است که مالکیت مختلط را توجیه می کند. وی اصل مالکیت خصوصی را توسط دو قاعده اسلامی تسلیط و لاضرر محدود می داند یعنی قاعده لاضرر می تواند به تصرفات انسان قید و بند بزند و همین قاعده است که مالکیت مختلط را موجه می سازد. صدر در کنار پذیرش مالکیت مختلط به نقش دولت در راستای از بین بردن تفاوت ها و فاصله عمیق اجتماعی اشاره می کند.

صدر در جایی دیگر در ارتباط با آزادی تجارت سه محدودیت را بیان می کند. محدودیت اول این است که اگر فردی کالایی را خریده باشد، نمی تواند تا قبل از تحویل آن را بفروشد. زیرا سود باید در نتیجه کار باشد. محدودیت دیگر بیان می کند که افراد نمی توانند در بیرون از شهر به

استقبال کاروان تجاری بروند و اجناس آنها را با توجه به قیمت درون شهر به گونه‌ای خریداری کنند که با فروش در شهر سودی کسب کنند. (حرام بودن تلقی رکبان). محدودیت سوم از نظر صدر ممنوعیت دلال بازی و واسطه‌گری‌های غیر مفید در امر تجارت است (دادگر و ، ۱۳۸۰، ۱۳۹).

محدودیت آزادی اقتصادی. در باب آزادی‌های اقتصادی صدر معتقد است که دو قید مانع مطلق بودن مالکیت خصوصی در اسلام می‌شود. قید نخست شخصی و درونی است و برگرفته از ارزش‌های اخلاقی مشارکت در ثروت، آنگونه که اسلام آموخته است. این ارزش‌ها که از حیثه حکم و جبر حکومت خارج‌اند قابل سنجش نیستند و تنها ابزاری هستند که دین به فرد بخشیده است. اما قید دوم که قید عینی و واقعی است و در قانون به دقت مشخص شده است در دو سطح کاربرد دارد. در سطح اعلا، "منابع کلی شریعت اسلام" مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی مانند ربا، احتکار و مانند آن باز داشته است و در سطح دیگر "اصل اشراف ولی امر بر فعالیت‌های عمومی و اصل دخالت دولت برای حفظ منافع عمومی و آزادی‌های عمومی مقرر داشته است. به نظر صدر محدودیت‌های بیرونی آزادی‌های اقتصادی مبتنی بر دو پایه است، اول ممنوعیت کلیه فعالیت‌هایی که باز دارنده تثبیت ارزش‌های اسلامی هستند، مانند حرمت ربا، احتکار، کنز، تکاثر طلبی، ثروت اندوزی، سفته بازی و حيله در معامله و مانند اینها. دومین پایه محدودیت‌های بیرونی آزادی‌های اقتصادی نظارت حکومت اسلامی بر فعالیت‌های اقتصادی و وضع مقررات در این راستا می‌باشد (صدر، ۱۳۸۶، ۱۰).

۵. بررسی دیدگاه‌های رایج درباره آزادی اقتصادی

۵-۱. دیدگاه هایک (لیبرال)

تعریف آزادی اقتصادی. هایک در کتاب بنیاد آزادی خود، بیان می‌کند هرگونه دخالت در اقتصاد به بهانه عدالت اجتماعی اصل آزادی منفی را خدشه‌دار می‌کند (هایک، ۱۹۶۰،

صص ۷۸-۷۷). آزادی منفی^۱ از نظر هایک به معنی فقدان هرگونه اجبار خارجی یا وابستگی به اراده خود سرانه دیگران است و قانون تنها ضامن آزادی است. هایک دولت را نوعی تلقی از فشار و عدم آزادی عنوان می کند. (هایک، ۱۹۶۰، صص ۷۸-۷۷). از نظر هایک آزادی شرط لازم برای تحقق و عملکرد مطلوب نظم‌های خودجوش در عرصه اقتصاد یعنی بازار است. او لیبرالیسم را در یک مثلث مالکیت، آزادی و قانون توضیح می دهد (گری، ۱۹۸۴، صص ۳۳-۳۲).

ابعاد آزادی اقتصادی. هایک در ارتباط با آزادی فعالیت های اقتصادی بر مرکزیت افراد در تعقیب اهداف اقتصادی در تبادلات رقابت آمیز با یکدیگر تاکید می کند و یادآوری می کند که نباید در جامعه آزاد قواعدی اعمال شود که تعیین کند اشخاص چگونه از ابزارهای موجود بهره گیرند. (همان). وی در ارتباط با آزادی در مصرف معتقد است که از مردم انتظار داریم که مطابق نفع شخصی خود رفتار کنند، اما آن رفتار که بر اساس نفع شخصی است در نهایت منفعت همه را تامین می کند. در یک اقتصاد بازار تولید کنندگان می خواهند که تا حد امکان ثروتمند شوند اما برای انجام این کار باید با یکدیگر برای حمایت از مصرف کننده (برتری مصرف کننده)^۲ رقابت کنند. هایک آزادی فردی و مالکیت خصوصی را به عنوان دو رکن اصلی مورد بررسی قرار می دهد. آزادی فردی باید در همه حال رشد کند و مالکیت خصوصی تا آنجا مورد توجه هست که هیچ گونه اجباری از طریق دولت به وجود نیامده و مراجع حکومتی آن را به افراد تحمیل نکرده باشند. آزادی فردی و مالکیت خصوصی جدایی ناپذیرند. مالکیت خصوصی زمینه اصلی انتخاب افراد و شرط اصلی رقابت است (بشریه، ۱۳۸۶، ۹۳).

محدودیت آزادی اقتصادی. همانطور که مطرح کردیم آزادی مورد نظر هایک آزادی

^۱ Hayek means by negative freedom unlimited freedom. This means that an individual is allowed to do what he wants and be what he wants, without interference from the state or others, and without any restrictions (Berlin, ۱۹۹۴, pp. ۶۱-۶۳).

^۲ Consumer patronage.

منفی یا آزادی نامحدود است و به معنی فقدان هرگونه اجبار خارجی یا وابستگی به اراده خود سرانه دیگران و اینکه فرد مجاز است بدون دخالت دولت و دیگران و بدون هرگونه قیدی به آنچه عمل کند که می‌خواهد و آن چنان باشد که می‌خواهد ((برلین، ۱۳۷۳، ۶۳-۶۱)، (هایک، ۱۹۶۰، ۷۸-۷۷)) بنابراین هایک هیچ گونه محدودیتی را بر آزادی اقتصادی نمی‌پذیرد و حتی قانون را حافظ آزادی می‌داند. وی قانون را بخشی از تاریخ انسان تلقی می‌کند و بین دو قانون عادلانه و مصوبات حکومتی تفاوت قائل می‌شود، چون از نظر هایک قانون عادلانه به آزادی می‌رسد و قوانین حکومتی سد آزادی هستند. هایک قانون را محصول تکاملی اخلاقی جامعه و ضامن آزادی منفی می‌داند (بشریه، ۱۳۸۶، ۹۰).

۲-۵. دیدگاه رالز (سوسیال لیبرال)

تعریف آزادی اقتصادی. هر شخصی باید در گسترده‌ترین نظام کامل آزادی‌های اساسی برابر (آزادی و فرصت‌ها در درآمد، ثروت و زمینه‌های عزت نفس)، حق مساوی داشته باشد که با یک نظام مشابه آزادی همگانی سازگار باشد (رالز، ۱۹۸۶، ۲۵۰-۶۲). در اندیشه رالز همه شهروندان، در برخورداری از حقوق پایه و آزادی‌های اساسی برابر هستند (رالز، ۱۳۸۷، ۱۱۱). از اصل آزادی در نوشته‌های رالز با تعبیر گوناگونی مانند اصل بیشینه‌سازی آزادی برابر، یا اصل برابری در آزادی‌های اساسی یاد شده است. براساس آن اگر امکان آزادی بیشتر برای همگان باشد، در آن صورت گزینش آزادی کمتر، بدون آن که ضرری به دیگری بزند، نامعقول است (رالز، ۲۰۰۰ (ب)، ص ۲۶۶).

ابعاد آزادی اقتصادی. رالز مهم‌ترین آزادی‌های اساسی را آزادی عمومی ((حق رأی دادن و حق اشتغال در مناصب عمومی)، آزادی بیان و آزادی اجتماعات، آزادی وجدان، آزادی اندیشه، قلم، عقیده و آزادی شخصی (شامل آزادی از سرکوب روانی و تعدی جسمانی و آزادی از بازداشت یا دستگیری خودسرانه)) و حق تملک و نگهداری از دارایی شخصی (آزادی مالکیت) می‌داند (رالز، ۱۹۷۱، ص ۵۳). رالز در بین نظام‌های اقتصادی، نظام حاوی برابری کامل اقتصادی را رد کرده و نظام حاوی مالکیت خصوصی عوامل تولید را تأیید می‌کند. رالز، ایده مارکس را درباره جامعه کمونیستی کامل فراتر از عدالت می‌شمارد؛ به این معنا که در جامعه

کمونستی کامل مشکل عدالت توزیعی وجود ندارد و شهروندان دغدغه آن را ندارند. از نظر رالز، برابری اگر به معنای برابری توزیع درآمد و ثروت در جامعه باشد، غیر عقلانی است، زیرا به جامعه اجازه نمی‌دهد ملزومات کارایی و ساماندهی اجتماعی را برآورده سازد. از آنجا که فرض شده افراد تصمیم گیرنده در وضع اولیه رفتار عقلانی دارند، مشکلات برابری کامل را درک خواهند کرد و اینکه با توجه به استعداد و کارایی نابرابر افراد، برقراری تساوی کامل با اصل انگیزه تباین دارد، افراد در موقعیت اولیه با شروطی به تفاوت رضایت خواهند داد (تمدن، ۱۳۷۲، صص ۳۳۰-۳۲۱).

محدودیت آزادی اقتصادی. آزادی مورد نظر رالز مطلق نیست و او بین آزادی‌های اساسی و غیر اساسی (مانند آزادی اقتصادی) تمایز قایل است. از این رو آزادی‌های اقتصادی می‌توانند در اندیشه وی در معرض محدودیت قرار گیرند (رالز، ۲۰۰۰، (ب)، ص ۲۷۴). رالز عدالت خویش را بر دو پایه مهم یعنی اصل آزادی و اصل تمایز قرار می‌دهد. رالز اصل آزادی را بر اصل تفاوت مقدم می‌داند، به طوری که با هیچ بهانه‌ای نمی‌توان آزادی‌های اساسی یک فرد را منع کرد، مگر جهت حفظ آزادی‌های اساسی دیگران. به طوری که آزادی تنها توسط آزادی می‌تواند محدود گردد. (رالز، ۱۹۷۱، صص ۲۰۳، ۲۲۱ و ۲۴۸). به عنوان نمونه آزادی‌های اساسی افراد به واسطه حفظ نظم و امنیت عمومی جامعه که یک آزادی اساسی دیگر است می‌تواند محدود شود. در حالی که به واسطه اموری مانند اخلاق، مذهب و افزایش رفاه مادی قابل محدود کردن نیست. تقدم این اصل به این معنا است که تا زمانی که مقتضیات این اصل حاصل نشود نوبت به کارگیری اصول دیگر نمی‌رسد. در این جهت باید در مرحله اجرا ابتدا نهادهای مربوط به این اصل ایجاد شود. به گمان او مردم زمانی به توزیع درآمد و ثروت حساسیت نشان می‌دهند که نیازهای اساسی تر آنان مثل آزادی‌های سیاسی ارضا شده باشد. با این حال رالز تنها یک استثنا می‌پذیرد. در مرحله ی بسیار ابتدایی رشد، زمانی که مردم بسیار فقیرند، امکان دارد که آزادی را به طور موقت ترجیح ندهند، چون وقتی مردم بسیار فقیرند نمی‌توانند از آزادی‌ها بهره‌برند. هر شهروندی باید به قدر کافی از نعمات مادی برخوردار باشد، تا بهره‌مندی از آزادی‌های

اساسی برایش معنی دار باشد، و نیازهای بنیادین مادی حتی بر آزادی‌های اساسی تقدم دارد (دادگر و همکارش، ۱۳۸۸، ص ۴۶).

۳-۵. دیدگاه کمونیسم

تعریف آزادی اقتصادی. کمونیسم، یک ایدئولوژی و جنبش فلسفی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که هدف نهایی آن ایجاد جامعه‌ای که در آن مالکیت خصوصی بر ابزار تولید لغو شده و طبقات اجتماعی، پول و دولت وجود ندارد. در این ایدئولوژی به هیچ وجه آزادی اقتصادی تعریف نشده است و فرد اصالت ندارد.

ابعاد آزادی اقتصادی. در ایدئولوژی کمونیستی، هیچ مورد از ابعاد آزادی اقتصادی (آزادی مالکیت، آزادی فعالیت اقتصادی، کسب و پیشه و آزادی مصرف)، افراد تعریف نشده است. **محدودیت آزادی اقتصادی.** پذیرش اصالت جمع و عدم پذیرش اصالت فرد (جامعه‌ای که در آن مالکیت خصوصی بر ابزار تولید لغو شده و طبقات اجتماعی، پول و دولت وجود ندارد) به صورت کلی آزادی اقتصادی را در این ایدئولوژی ملغی نموده است.

۶. آزادی اقتصادی در قرآن

در این بخش کوشش می‌شود آیاتی از قرآن کریم که به طور صریح به بحث آزادی اقتصادی اشاره داشته‌اند، گزینش شوند تا از روی آنها ابعاد آزادی اقتصادی در قرآن استخراج شود. برای فهم دقیق‌تر آیات و تفسیر آنها سعی شده است مفهوم آنها بر اساس بیان تفسیر المیزان^۱ درک شود.

۶-۱. تعریف آزادی اقتصادی. در قرآن کریم تعریف مشخص و معینی برای آزادی اقتصادی وجود ندارد، ولی در این پژوهش فرض می‌شود که قرآن تعاریف مرسوم آزادی اقتصادی را قبول دارد و پذیرفته است.

۶-۲. ابعاد آزادی اقتصادی.

۱. آزادی کسب و پیشه:

^۱ - Comprehensive Quran website quran.inoor.ir (interpretation of Al-Mizan).

آیه ۱۲ سوره جاثیه:

اللّٰهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرَىٰ فِيهِ بَٰمَرُهُ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ
البتّه همان خدا است که دریا را برای شما مسخر کرد تا کشتی‌ها به امر وی در آن به راه افتند و تا از فضل خدا کسب کنید و تا شاید شکرگزار باشید.

آیه ۱۰ سوره جمعه:

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلٰوةُ فَٱنتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَٱتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَٱذْكُرُوا لِلَّهِ كَثِيرًا فَعَلَكُمْ تَفْلِحُونَ
و چون نماز به پایان رسد در زمین پراکنده شوید و از فضل خداوند طلب کنید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید.

آیه ۱۵ سوره ملک:

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَٱمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَٱلِيهِ النُّشُورُ
او است آن کس که زمین را برای شما رام کرده پس در اقطار آن، آمد و شد کنید و از رزق آن بخورید و به امید زنده شدن بار دیگر شما به سوی او است.

از سه آیه فوق می‌توان دریافت که:

۱- در آیه ۱۲ سوره جاثیه منظور از مسخر کردن دریا و راندن کشتی‌ها، هموار کردن

مسیر فعالیت اقتصادی برای انسان در کسب روزی توسط خداوند است.

۲- در سوره جمعه آیه ۱۰، منظور از پراکنده شدن در زمین، یعنی مشغول شدن انسان به

امور روزانه و کسب روزی است.

۳- منظور رام شدن زمین در آیه ۱۵ سوره ملک اجازه انسان برای انواع تصرفات وی

است.

در این آیات فوق می‌توان آزادی و اجازه فعالیت‌های اقتصادی و همچنین فراهم آوردن شرایط برای کسب روزی و انجام فعالیت‌های اقتصادی و انواع تصرفات وی را استنباط نمود.

۲. آزادی مالکیت:

آیه ۲۸ سوره روم^۱:

برای شما از خود شما مثلی زده، آیا بردگان شما در آنچه که از اموال به شما روزی کرده‌ایم هیچ فردی شریک شما هست بطوری که آن برده و شما با هم برابر باشید و احیاناً شما از آن بردگان بترسید که مبادا در شرکت تجاوز کنند آن طور که از یک شریک آزاد می‌ترسید؟ قطعاً نه، پس چطور مخلوقات خدا را شریک او می‌گیرید، ما این طور آیات را برای مردمی که تعقل کنند توضیح می‌دهیم.

کلمه ما در من ما ملک نوعیت را می‌رساند، یعنی از نوع آنچه شما مالکید از قبیل بردگان و جمله تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ به این معنا است که می‌ترسید مملوک‌ها و شرکا در تصرف مال مشترک استبداد به خرج دهند، همانطور که می‌ترسید شرکا آزاد و مثل خودتان در مال مشترک تصرف کنند بدون اینکه اجازه و رضایتی از شما کسب کرده باشند. درواقع آیه ۲۸ سوره روم به نوعی به آزادی در مالکیت و قطعیت مالکیت خصوصی اشاره دارد. آیات ۲۷۸ و ۲۷۹ بقره نیز مشابه این آیه هستند.

۳. آزادی در مصرف:

آیه ۲۹ سوره بقره^۲

او است که هر چه در زمین هست یکسره برای شما آفرید سپس به آسمان پرداخت و هفت آسمان به پا ساخت و به همه چیز دانا است.

از این آیه می‌توان دریافت که خداوند هرآنچه در زمین است همه را برای انسان و متعلق به او قرار داده و برای او حلال ساخته است و در واقع این آیه اشاره به بحث آزادی در مصرف دارد.

^۱ -So directs your face [i.e., self-] toward the religion, inclining to truth. [Adhere to] the fitrah of Allāh upon which He has created [all] people. No change should there be in the creation of Allāh That is the correct religion, but most of the people do not know.

^۲ - It is He who created for you all of that which is on the earth. Then He directed Himself to the heaven, [His being above all creation], and made them seven heavens, and He is Knowing of all things.

آیات ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره بقره^۱

هان! ای مردم از آنچه در زمین است بخورید در حالی که حلال و طیب باشد و گام‌های شیطان را پیروی نکنید که او شما را دشمنی است آشکار. او تنها شما را به بدی و فحشاء و گفتن سخنان بی دلیل و نسبت دادن آن به خدا و میدارد.

امر به اکل کنایه از مطلق مصرف و تصرف دارد که شایع ترین نوع تصرفات انسان خوردن است و چون هیچ قیدی در کلام دیده نمی شود حکایت از آزادی مصرف دارد. بنا براین این آیه عموم حلیت نسبت به همه تصرفات یا آزادی مصرف را بیان می کند مگر اینکه دلیل بر حرمت و ممنوعیت آن ارائه گردد. آیات ۱۷۲ بقره و ۸۱ طه، نیز مشابه این آیات هستند.

۳-۶. محدودیت آزادی اقتصادی.

۱. محدودیت فعالیت اقتصادی:

۱-۱. قمار و شراب

آیه ۲۱۹ سوره بقره^۲:

از تو حکم شراب و قمار را می‌پرسند بگو در آن دو گناهی است بزرگ و منافعی است برای مردم اما اثر سوء آن دو در دلها بیش از منافع صوری آنها است و نیز از تو می‌پرسند چه تعداد اتفاق کنند؟ بگو حد متوسط را خدا اینچنین آیات را برایتان بیان می‌کند تا شاید تفکر کنید.

فعالیت قمار و شراب سازی اگرچه ممکن است به لحاظ اقتصادی سودمند باشد ولی قرآن کریم ب خاطر مفسد و ضرر اجتماعی غالبشان، آنها را ممنوع اعلام کرده است. در مواردی مثل الکحل که مصرف آن حرام است، تولید آن برای چنین مصرفی نیز حرام است اما تولیدش برای مصارف

^۱ -O mankind, eat from whatever is on earth [that is] lawful and good and do not follow the footsteps of Satan. Indeed, he is to you a clear enemy. He only orders you to evil and immorality and to say about Allāh what you do not know.

^۲ -They ask you about wine and gambling. Say, "In them is great sin and [yet, some] benefit for people. But their sin is greater than their benefit." And they ask you what they should spend. Say, "The excess [beyond needs]." Thus, Allah makes clear to you the verses [of revelation] that you might give thought.

دیگر از جمله پزشکی مجاز دانسته شده است. آیات ۹۰ و ۹۱ مائده، ۶۷ نحل و ۴۳ نسا مشابه این مفهوم هستند.

۲-۱. ربا

آیه ۱۳۰ سوره آل عمران^۱:

ای کسانی که به دین اسلام گرویده‌اید ربا مخورید که دائم سود بر سرمایه افزایش تا چند برابر شود و از خدا بترسید و این عمل زشت را ترک کنید، باشد که سعادت و رستگاری یابید. این آیه دلالت بر حرام بودن فعالیت های اقتصادی ای دارد که مشمول بحث ربا خواهند شد. آیات ۲۷۵ و ۲۷۶ بقره، ۱۶۰ و ۱۶۱ نسا، ۳۹ روم نیز، مشابه این مفهوم هستند.

۳-۱. کم فروشی (اخلاق کسب و کار)

آیه ۱ سوره مطففین^۲:

وای بر کم‌فروشان.

آیات ۸۵ هود، ۱۸۱ و ۱۸۲ شعرا و ۳۵ اسرا نیز مشابه این مفهوم هستند.

۴-۱. رشوه (اخلاق کسب و کار)

آیه ۴۲ سوره مائده^۳:

گوش اینان خریدار دروغ و هوششان خوردن مالی است که دین و مروتشان را تباه می‌کند، پس اگر اینان نزدت آمدند مخیری در اینکه بین آنان حکم بکنی و یا از آنان اعراض نمایی و در صورتی که مصلحت را در اعراض دیدی بیمی از آنان به خود راه مده که هیچ ضرری به تو نمی‌رسانند و اگر مصلحت دیدی که حکم کنی به عدل حکم کن که خدا عدالت‌پیشه‌گان را

^۱- O you who have believed, do not consume usury, doubled and multiplied, but fear Allāh that you may be successful.

^۲-Woe to those who give less [than due].

^۳- [They are] avid listeners to falsehood, devourers of [what is] unlawful. So, if they come to you, [O Muḥammad], judge between them or turn away from them. And if you turn away from them - never, will they harm you at all. And if you judge, judge between them with justice. Indeed, Allāh loves those who act justly.

دوست می‌دارد.

۵-۱. فعالیت اقتصادی از طریق آلات لهو و لعب (اخلاق کسب و کار)

آیه ۶ سوره لقمان^۱:

بعضی از مردم گفتار بازیچه را می‌خرند، تا بدون علم مردم را از راه خدا گمراه کنند، و راه خدا را مسخره گیرند، آنان عذابی خفت‌آور دارند.

آیات ۷۲ فرقان، ۳۰ حج، ۱۶-۱۷-۱۸ انبیا و ۱۱ جمعه مشابه این مفهوم هستند.

۶-۱. فعالیت از طریق کتب ضلال و هر وسیله گمراه کننده (اخلاق کسب و کار)

آیه ۳۰ سوره حج^۲

آری این چنین، و هر کس حرمت یافتگان خدای را بزرگ بدارد همان برای او نزد پروردگارشان عمل نیکی محسوب می‌شود، و خدا چارپایان را بر شما حلال کرده مگر آنچه که برایتان خوانده شود. پس، از پلیدی بتها کناره‌گیری کنید و از گفتار دروغ اجتناب ورزید.

آیات ۴۲- ۱۵۹ و ۱۷۴ بقره، ۷۱ آل عمران، ۷۷ مائده، ۷۲ فرقان و ۲۹ فصلت نیز مشابه همین مفهوم هستند.

۷-۱. تلقی رکبان

استقبال شهروندان از کاروانهای تجاری در بیرون شهر را تَلَقَّى رُكبان گویند از این عنوان در باب تجارت سخن رفته است که به صورت مستقیم در این ارتباط در قرآن کریم، آیه ای ذکر نشده است ولی در قالب بحث های تجارت به صورت غیر مستقیم اشاراتی شده است.

۸-۱. احتکار (اخلاق کسب و کار)

^۱ -And of the people is he who buys the amusement of speech to mislead [others] from the way of Allāh without knowledge and who takes it [i.e., His way] in ridicule. Those will have a humiliating punishment.

^۲ -That [has been commanded], and whoever honors the sacred ordinances of Allāh - it is best for him in the sight of his Lord. And permitted to you are the grazing livestock, except what is recited to you. So, avoid the uncleanness of idols and avoid false statement.

در امر احتکار که معنی اش ذخیره ارزاق و حبس آنها به انتظار افزایش قیمت است، آیه صریحی یافت نمی شود. لکن عموماً در قرآن وجود دارد که محتکران مصادیق آنها هستند که از جمله آن آیات، آیه ۱۶۱ سوره آل عمران می باشد.

۲. محدودیت در مالکیت:

۱-۲. معاملات و قرار دادهای باطل

آیه ۱۸۸ سوره بقره^۱:

و اموال خود را در بین خود به باطل مخورید و برای خوردن مال مردم قسمتی از آن را به طرف حکام به رشوه و گناه سرازیر ننمائید با اینکه می دانید که این عمل حرام است. آیه ۱۶۱ نسا، ۴۲-۶۲ و ۶۳ مائده نیز مشابه این مفهوم هستند.

۲-۲. عدم رضایت طرفین در قرار داد

آیه ۲۹ سوره نسا^۲

هان! ای کسانی که ایمان آوردید، اموال خود را در بین خود به باطل مخورید، مگر آن که تجارتی باشد ناشی از رضایت دهنده و گیرنده و یکدیگر را به قتل نرسانید، که خدای شما مهربان است.

۳-۲. کودکان

آیه ۶ سوره نسا^۳

^۱ -And do not consume one another's wealth unjustly or send it [in bribery] to the rulers in order that [they might aid] you [to] consume a portion of the wealth of the people in sin, while you know [it is unlawful].

^۲ -O you who have believed, do not consume one another's wealth unjustly but only [in lawful] business by mutual consent. And do not kill yourselves [or one another]. Indeed, Allāh is to you ever Merciful.

^۳ -And test the orphans [in their abilities] until they reach marriageable age. Then if you perceive in them sound judgement, release their property to them. And do not consume it excessively and quickly, [anticipating] that they will grow up. And whoever, [when acting as guardian], is self-sufficient should refrain [from taking a fee]; and whoever is poor - let him take according to what is acceptable. Then when you release their property to them, bring witnesses upon them. And sufficient is Allāh as Accountant.

یتیمان را آزمایش نمائید تا هنگامی که بالغ شده و تمایل به نکاح پیدا کنند، آن گاه اگر آنها را دانا به درک مصالح زندگانی خود یافتید اموالشان را به آنها باز دهید و به اسراف و عجله مال آنها را حیف و میل نکنید بدین اندیشه که مبدا کبیر شوند (و اموالشان را از شما بگیرند) و هر کس از اولیای یتیم دار است به کلی از هر قسم تصرف در مال یتیم خود داری کند و هر کس که فقیر است در مقابل نگهبانی آن مال، به قدر متعارف ارتزاق کند پس آن گاه که یتیمان بالغ شدند و مالشان را رد کردید هنگام رد مال به آنها باید گواه گیرید برای حکم ظاهر، ولی در باطن "علم حق" و "گواهی خدا" برای محاسبه خلق کافی است.

آیه ۵ سوره نسا نیز مشابه همین مفهوم است.

۳. محدودیت در مصرف:

۱-۳. اکل به باطل

آیه ۲۹ سوره نسا (بدلیل ذکر آیه در بخش قبل از ذکر مجدد آن خود داری می شود).

۲-۳. مصرف شراب و هرگونه مست کننده

آیات ۲۱۹ سوره بقره ، ۹۰ و ۹۱ مائده ، ۶۷ نحل و ۴۳ نسا معرف این مفهوم هستند. (بدلیل ذکر آیات در بخش قبل از ذکر مجدد آنها خود داری می شود).

۳-۳. فعالیت از طرق آلات لهو و لعب (مصرف)

آیات ۷۲ فرقان، ۳۰ حج، ۱۶-۱۷-۱۸ انبیا ، ۱۱ جمعه و ۶ لقمان معرف این مفهوم هستند. (بدلیل ذکر آیات در بخش قبل از ذکر مجدد آنها خود داری می شود).

۴-۳. اسراف

آیه ۳۱ سوره اعراف^۱

ای فرزندان آدم! زینت و آراستگی خویش را نزد هر مسجدی اتخاذ کنید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید زیرا او اسراف کنندگان را دوست ندارد.

^۱- O children of Adam, take your adornment [i.e., wear your clothing] at every masjid and eat and drink, but be not excessive. Indeed, He likes not those who commit excess.

در این آیه به ممنوع بودن اسراف در مصرف اشاره دارد که آیات ۲۶ و ۲۷ اسراء، ۱۵۱ و ۱۵۲ شعرا و ۶۷ فرقان نیز مشابه این مفهوم هستند.

۵-۳. ممنوعیت مصرف مردار حیوانات حلال گوشت و گوشت حیوانات حرام گوشت آیه ۱۴۵ سوره انعام^۱:

بگو در احکامی که به من وحی شده چیزی را که غذا خوار تواند خورد حرام نمی‌یابم مگر آنکه مرداری باشد یا خون ریخته شده یا گوشت خوک که آن پلید است یا ذبیحه غیر شرعی که نام غیر خدا بر آن یاد شده، و هر که ناچار باشد نه متجاوز و یا افراطکار (و بخورد) پروردگار تو آمرزگار و رحیم است.

آیات ۳ مائده، ۱۷۳ بقره و ۱۱۵ نحل نیز معرف این مفهوم هستند.

۷. جمع‌بندی

در اینجا برای ارایه یک جمع‌بندی کامل نگاهی مقایسه‌ای به دیدگاه‌های ارایه شده در ۳ بعد تعریف، ابعاد و محدودیت‌های آزادی می‌کنیم.

هریک از دیدگاه‌ها بر اساس ایدئولوژی مورد قبول خود از جهتی **تعریفی برای آزادی اقتصادی** ارایه کرده‌اند: از نظر سید قطب در اسلام فرد به حال خود واگذار نمی‌شود که هرچه بخواهد بکند. یعنی فرد آزادی اقتصادی دارد ولی در چارچوبی محدود. بهشتی در ارتباط با آزادی اقتصادی اینگونه توضیح می‌دهد که اصل در زندگی این است که فرد آزاد بماند و کلیه فعالیت‌های اقتصادی او محدود نگردد مگر اینکه محدودیت‌های اقتصادی‌ای که اگر رعایت نگردند به آزادی اقتصادی شخص او یا دیگران لطمه خواهد زد. مطهری آزادی را نبود مانع جهت دستیابی انسان به رشد و تعالی تعریف می‌کند. در آثار صدر از جهت (تعریف و تحدید

^۱ -Say, "I do not find within that which was revealed to me [anything] forbidden to one who would eat it unless it be a dead animal or blood spilled out or the flesh of swine - for indeed, it is impure - or it be [that slaughtered in] disobedience, dedicated to other than Allāh But whoever is forced [by necessity], neither desiring [it] nor transgressing [its limit], then indeed, your Lord is Forgiving and Merciful."

آزادی) بحثی دیده نمی‌شود. آزادی از نظر هایک به معنی فقدان هرگونه اجبار خارجی یا وابستگی به اراده خود سرانه دیگران است و قانون تنها ضامن آزادی است. هایک دولت را نوعی تلقی از فشار و عدم آزادی عنوان می‌کند. رالز بیان می‌کند هر شخصی باید در گسترده‌ترین نظام کامل آزادی‌های اساسی برابر، حق مساوی داشته باشد که با یک نظام مشابه آزادی همگانی سازگار باشد. در ایدئولوژی کمونیسم به هیچ وجه آزادی اقتصادی تعریف نشده است. در قرآن کریم نیز تعریف مشخص و معینی برای آزادی اقتصادی وجود ندارد، ولی در این پژوهش فرض می‌شود که قرآن تعاریف مرسوم آزادی اقتصادی را قبول دارد و پذیرفته است.

درباره ابعاد آزادی اقتصادی، هیچ یک از دیدگاه‌ها به صورت جامع همه ابعاد آزادی اقتصادی را ارایه نکرده‌اند: سید قطب به دو مورد آزادی مالکیت و آزادی‌های شخصی (انتخاب شغل) اشاره می‌کند. اسلام همه گونه حق تصرف را برای صاحب مال از فروش، اجاره و رهن، بخشش، وصیت و سایر تصرفات حلال و غیر مخالف با قوانین دین را اجازه داده است. از دیدگاه اسلام هریک از افراد جامعه در انتخاب شغل آزادند و سلب چنین حقی از مردم از مصادیق احتکار حرام و عملی ظالمانه محسوب می‌شود. بهشتی نیز به آزادی مصرف، آزادی سرمایه و آزادی کسب و پیشه (شغل)، اشاراتی داشته است. از نظر وی، هنگامی که انسان مالک چیزی هست، حق دارد آن را مصرف نماید. حال آیا این مصرف حد و اندازه ای دارد؟ بهشتی اینطور پاسخ می‌دهد که از نظر مالکیت حدی نیست ولی از نظر اخلاقی حدی وجود دارد. همچنین اگر سرمایه به شکلی باشد که ارزش مصرفی جدید تولید کند، باید سهمی از این ارزش مصرفی جدید به سرمایه داده شود. بهشتی در ارتباط با آزادی کسب و کار کننده اینطور می‌گوید که آزادی کار کننده باید تا آنجا باشد که نوع فعالیت، کیفیت فعالیت، ساعات کار و نظایر آن اجباری نباشد و از روی انتخاب و با محاسبه و آزادانه صورت بگیرد. مطهری نیز ابعاد آزادی اقتصادی را اینطور توضیح می‌دهد که فرد از نظر اسلام از نظر سیاسی، اقتصادی، قضایی و اجتماعی حقوقی دارد. او از نظر اقتصادی حق مالکیت بر محصول کار خود و حق معاوضه و معادله و صدقه و وقف و اجاره، مزارعه و مضاربه و ... را در مایملک شرعی خود دارد. صدر به

آزادی مالکیت و آزادی تجارت، اشاراتی داشته است. صدر در ارتباط با آزادی مالکیت اصل مالکیت مختلط را می‌پذیرد. از نظر وی در کتاب اقتصادنا این حدود و ثغور الهی است که مالکیت مختلط را توجیه می‌کند. وی اصل مالکیت خصوصی را توسط دو قاعده اسلامی تسلیط و لاضرر محدود می‌نماید. صدر در جایی دیگر در ارتباط با آزادی تجارت سه محدودیت ۱. که اگر فردی کالایی را خریده نمی‌تواند تا قبل از تحویل آن را بفروشد زیرا سود باید در نتیجه کار باشد، ۲. حرام بودن تلقی رکبان) و ممنوعیت دلال بازی و واسطه‌گری های غیر مفید در امر تجارت را بیان می‌نماید. هائیک در ارتباط با آزادی فعالیت های اقتصادی بر مرکزیت افراد در تعقیب اهداف اقتصادی در تبادلات رقابت آمیز با یکدیگر تاکید می‌کند. وی در ارتباط با آزادی در مصرف معتقد است که مطابق نفع شخصی خود رفتار شود و آزادی مالکیت خصوصی تا آنجا مورد توجه هست که هیچ گونه اجباری از طریق دولت به وجود نیامده باشد. رالز مهم ترین آزادی های اساسی را آزادی عمومی (حق رأی دادن و حق اشتغال در مناصب عمومی)، آزادی بیان و آزادی اجتماعات، آزادی وجدان، آزادی اندیشه، قلم، عقیده و آزادی شخصی (شامل آزادی از سرکوب روانی و تعدی جسمانی، و آزادی از بازداشت یا دستگیری خودسرانه) و حق تملک و نگهداری از دارایی شخصی (آزادی مالکیت) می‌داند. در ایدئولوژی کمونیستی، نیز هیچ مورد از ابعاد آزادی اقتصادی تعریف نشده است. قرآن کریم نیز در ارتباط با ابعاد آزادی اقتصادی به سه بعد آزادی کسب و پیشه (۱۲ جاثیه، ۱۰ جمعه و ۱۵ ملک)، آزادی مالکیت (۲۸ روم) و آزادی مصرف (۱۶۹-۱۶۸-۲۹ بقره) اشاراتی داشته است.

هریک از دیدگاه ها بر اساس ایدئولوژی مورد قبول خود درباره **محدودیت آزادی اقتصادی** نظرات خود را ارائه نمودند: سید قطب به حدود و قیود (قوانین اسلامی) و عدالت اجتماعی اشاره می‌کند. بهشتی بیان می‌کند یک فرد تا آنجا بماند که این آزادی به آزادی دیگران لطمه وارد ننماید یا زمینه ساز فساد در جامعه نشود. مطهری محدودیت آزادی را آنجا که آزادی های فرد مخل آزادی دیگران و سلب کننده آزادی آنها باشد، در مواردی که آزادی فرد بر خلاف مصالح عالیه اجتماع باشد یا آنجا که حفظ آزادی فردی بر خلاف مصالح مسلم شخصی خودش باشد توضیح می‌دهد. صدر نیز در باب آزادی های اقتصادی ص که دو قید

درونی و عینی که مانع مطلقیت مالکیت خصوصی و آزادی های اقتصادی در اسلام می شود را توضیح می دهد. آزادی مورد نظر هاینک آزادی منفی یا آزادی نا محدود است و به معنی فقدان هرگونه اجبار خارجی یا وابستگی به اراده خود سرانه دیگران است بنابراین هاینک هیچ گونه محدودیتی را بر آزادی اقتصادی نمی پذیرد و حتی قانون را حافظ آزادی می داند. رالز معتقد است که با هیچ بهانه ای نمی توان آزادی های اساسی یک فرد را منع کرد، مگر جهت حفظ آزادی های اساسی دیگران. به طوری که آزادی تنها توسط آزادی می تواند محدود گردد. در دیدگاه کمونیسم نیز به صورت کامل آزادی اقتصادی ملغی است. قرآن کریم نیز سه نوع محدودیت، محدودیت فعالیت های اقتصادی (قمار، شراب، ربا، کم فروشی، رشوه، فعالیت اقتصادی از طریق آلات لهو و لعب، فعالیت از طریق کتب ضلال و هر وسیله گمراه کننده، تلقی ربا و احتکار)، محدودیت در مالکیت (معاملات و قرار دادهای باطل، عدم رضایت طرفین در قرار داد و کودکان یتیم و سفیه) و محدودیت در مصرف (اکل به باطل، شراب و هرگونه مست کننده، اسراف، فعالیت از طرق آلات لهو و لعب، ممنوعیت مصرف مردار حیوانات حلال گوشت و گوشت حیوانات حرام گوشت) را در ارتباط با آزادی های اقتصادی بیان می کند.

جدول ۱. خلاصه مقایسه‌ای دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان و دیدگاه‌های رایج (لیبرال، سوسیال لیبرال و کونیسم) با قرآن

دیدگاه	تعریف آزادی اقتصادی	ابعاد آزادی اقتصادی	محدودیت آزادی اقتصادی
سید قطب	در اسلام فرد به حال خود واگذار نمی‌شود که هرچه بخواهد بکند یعنی فرد آزادی دارد ولیکن چارچوبی محدود.	۱. آزادی مالکیت: اسلام در باب اموال حق مالکیت فردی را با وسائل مشروعه تملک، مسلم و ثابت دانسته و همه گونه حق تصرف را برای صاحب مال از فروش، اجاره و رهن، بخشش، وصیت و سایر تصرفات حلال و غیر مخالف با قوانین دین را اجازه داده است. ۲. آزادی‌های شخصی: از دیدگاه اسلام هریک از افراد جامعه در انتخاب شغل آزادند و سلب چنین حقی از مردم از مصادیق احتکار حرام و عملی ظالمانه است.	آزادی اقتصادی به صورت مطلق و خارج از قیود پذیرفته نیست: ۱. این حدود و قیود (قوانین اسلامی)، ارزش‌های حیاتی اندیشه‌ای سید قطب تعبیر می‌شود. از نگاه وی، تملک و ازدیاد مال از راه‌های غیر مشروع مانند غصب، ربا، قمار و احتکار پذیرفته نیست. ۲. مصالح اجتماعی به ویژه عدالت اجتماعی نیز یکی دیگر از محدود کننده‌های آزادی اقتصادی از نظر سید قطب است.
سید محمد حسینی	آزادی توانایی انسان در ساختن سرنوشت فردی و جمعی خود	انسان در مصرف، سرمایه‌گذاری و کسب و پیشه (شغل)، آزاد است: ۱. منطبق فطری به مالک حق اتلاف	محدودیت‌های آزادی‌های اقتصادی در نظام اسلامی دو ریشه دارند ۱- آزادی یک فرد تا آنجا

بهشتی	است. کلیدی ترین بخش تعریف آزادی، مفهوم تسلط انسان بر ساختن خویش و ساختن محیط خویش است. اصل در زندگی این است که فرد آزاد بماند و کلیه فعالیت های اقتصادی او محدود نگردد مگر اینکه محدودیت های اقتصادی ای که اگر رعایت نگردند به آزادی اقتصادی شخص او یا دیگران لطمه خواهد زد.	نمی‌دهد و حق تصرف تا مرز اتلاف پیش نمی‌رود. اگر مالک بخواهد ملک خویش را تلف کند نوعی اعراض تلقی خواهد شد. ۲. اگر سرمایه طوری باشد که ارزش مصرفی جدید تولید کند، باید سهمی از این ارزش مصرفی جدید به سرمایه داده شود. ۲. آزادی کار کننده باید تا آنجا باشد که نوع فعالیت، کیفیت فعالیت، ساعات کار و نظایر آن اجباری نباشد و از روی انتخاب و با محاسبه و آزادانه صورت بگیرد.	است که به آزادی دیگران لطمه وارد ننماید. ۲- باید جلوی آزادی‌هایی که محیط را فاسد می‌کند و زمینه را برای رشد و فساد در جامعه آماده می‌کند، گرفته شود.
مرتضی	آزادی نبود مانع جهت دستیابی	از نظر اقتصادی فرد حق مالکیت بر محصول کار خود و حق معاوضه و	آزادی اقتصادی در سه مورد می تواند

مطهری	انسان به رشد و تعالی است.	معادله و صدقه و وقف و اجاره، مزارعه و مضاربه و ... را در مایملک شرعی خود دارد.	محدود شود: ۱. آنجا که آزادی های فرد مخل آزادی دیگران و سلب کننده آزادی آنها باشد. ۲. در مواردی که آزادی فرد بر خلاف مصالح عالیه اجتماع باشد. ۳. آنجا که حفظ آزادی فردی بر خلاف مصالح مسلم شخصی خودش باشد.
سید محمد باقر صدر	در آثار صدر از جهت (تعریف و تحدید آزادی) بحثی دیده نمی شود.	صدر به آزادی مالکیت و آزادی تجارت (فعالیت اقتصادی)، اشاراتی داشته است: ۱. در اسلام سه دسته مالکیت عمومی، خصوصی و دولتی پذیرفته است و حدود و ثغور الهی مالکیت مختلط را توجیه می کند. ۲. درباره آزادی تجارت ۳ محدودیت وجود دارد: ۱-۲. محدودیت اول اینکه اگر فردی کالایی را خریده نمی تواند تا قبل از	عوامل محدود کننده آزادی اقتصادی دو دسته است: عامل درونی اخلاقی فردی و عامل عینی واقعی بیرونی که بیرونی دو دسته است: احکام شریعت اسلام و اصل شرافت ولی امر بر فعالیت عمومی و دخالت دولت (قاعده لاضرر + تسلیط)

		تحويل آن را بفروشد زیرا سود باید در نتیجه کار باشد. ۲-۲. محدودیت حرام بودن تلقی رکیان ۳-۲ ممنوعیت دلال بازی و واسطه‌گری‌های غیرمفید است.	
هیچ گونه محدودیتی بر آزادی اقتصادی پذیرفته نیست و حتی قانون برای حافظ آزادی است.	۱. در ارتباط با آزادی فعالیت های اقتصادی، مرکزیت با افراد در تعقیب اهداف اقتصادی در تبادلات رقابت آمیز با یکدیگر است. ۲. در ارتباط با آزادی در مصرف از مردم انتظار است مطابق نفع شخصی خود رفتار کنند. ۳. آزادی فردی باید در همه حال رشد کند. ۴. مالکیت خصوصی تا آنجا مورد توجه هست که هیچ گونه اجباری از طریق دولت به وجود نیامده و مراجع حکومتی	آزادی به معنی فقدان هرگونه اجبار خارجی یا وابستگی به اراده خود سرانه دیگران است.	هایک (لیبرال)

		آن را به افراد تحمیل نکرده باشند.	
رالز (سوسیال لیبرال)	هر شخصی باید در گسترده‌ترین نظام کامل آزادی‌های اساسی برابر (آزادی و فرصت‌ها در درآمد، ثروت و زمینه‌های عزت نفس)، حق مساوی داشته باشد که با یک نظام مشابه آزادی همگانی سازگار باشد.	مهمترین آزادی‌های اساسی آزادی عمومی (حق رأی دادن و حق اشتغال در مناصب عمومی)، آزادی بیان و آزادی اجتماعات، آزادی وجدان، آزادی اندیشه، قلم، عقیده و آزادی شخصی (شامل آزادی از سرکوب روانی و تعدی جسمانی، و آزادی از بازداشت یا دستگیری خودسرانه) و حق تملک و نگهداری از دارایی شخصی (آزادی مالکیت) می‌داند.	بین آزادیهای اساسی و غیر اساسی (مثل آزادی اقتصادی) تمایز است. از این رو آزادی‌های اقتصادی میتواند در معرض محدودیت قرار گیرند. رالز عدالت خویش را بر دو پایه مهم یعنی اصل آزادی و اصل تمایز قرار می دهد. رالز اصل آزادی را بر اصل تفاوت مقدم می‌داند؛ به طوری که با هیچ بهانه ای نمی‌توان آزادی‌های اساسی یک فرد را منع کرد، مگر جهت حفظ آزادی های اساسی دیگران. به طوری که آزادی تنها توسط آزادی می‌تواند محدود گردد.
کمونیسم	به هیچ وجه آزادی اقتصادی تعریف نشده است و فرد اصالت ندارد.	در ایدئولوژی کمونیستی، هیچ مورد از ابعاد آزادی اقتصادی تعریف نشده است.	پذیرش اصالت جمع و عدم پذیرش اصالت فرد (جامعه‌ای که در آن مالکیت خصوصی بر ابزار تولید لغو شده و طبقات اجتماعی، پول و دولت وجود ندارد) به صورت کلی آزادی اقتصادی را در این ایدئولوژی ملغی نموده است.
قرآن	در قرآن کریم	می‌توان بر پایه آیاتی از قرآن گفت که	محدودیت‌های قرآنی شامل

محدودیت‌های اخلاقی است: در زمینه فعالیت‌های اقتصادی، شامل قمار، شراب، ربا، کم فروشی، رشوه، فعالیت اقتصادی از طریق آلات لهو و لعب، فعالیت از طریق کتب ضلال و هر وسیله گمراه کننده، تلقی رکبان و احتکار. در زمینه مالکیت: معاملات و قرار دادهای باطل، عدم رضایت طرفین در قرار داد و کودکان (یتیم و سفیه). محدودیت در مصرف: اکل به باطل، شراب و هرگونه مست کننده، اسراف، فعالیت از طرق آلات لهو و لعب (مصرف)، ممنوعیت مصرف مردار حیوانات حلال گوشت و گوشت حیوانات حرام گوشت).	قران آزادی‌های اساسی اقتصادی را پذیرفته است: آزادی کسب و پیشه (۱۲ جاثیه، ۱۰ جمعه و ۱۵ ملک) آزادی مالکیت (۲۸ روم) آزادی مصرف (۱۶۹-۱۶۸-۲۹ بقره)	تعریف مشخص و معینی برای آزادی اقتصادی وجود ندارد. به طور اصولی قران برای تعریف واژگان نازل نشده است.	کریم
--	---	---	-------------

می‌توان گفت قران یک چارچوب اخلاقی را برای آزادی ارایه می‌کند که در آن اصل اساسی آزادی‌های اقتصادی در فعالیت (شغل و کسب و کار)، مالکیت و درآمد برقرار است. محدودیت‌های آزادی اقتصادی در قران نیز در چارچوب محدودیت‌های اخلاقی است، فعالیت‌هایی که درآمد غیر اخلاقی ایجاد می‌کند، مالکیت دارایی‌های دیگران و مصرف کالاهایی که برای انسان یا جامعه زیان دارد، محورهای اصلی این محدودیت‌ها هستند. همچنین در هیچ جایی از قران ممانت از آزادی دیگران جایز دانسته نشده است و این می‌تواند نشانه‌ای

برای اصل و پایه بودن آزادی اقتصادی در زمینه‌های مختلف باشد و محدودیت‌های اخلاقی همگی برای حفظ اصل آزادی و اصول اخلاقی است که دین برای آن یعنی اخلاق نازل شده است.

بر این پایه دیدگاه‌های برخی اندیشمندان مسلمان در این زمینه از دقت کافی برخوردار نیست. زیرا قرآن اصل آزادی را پذیرفته است، ولی تنها رفتارهای غیر اخلاقی را ممنوع کرده است. البته اینکه اینها چگونه در جامعه اجرا شود، خود افراد مسوول آن باشند یا حکومت افراد را وادار به رفتار خاصی کند، جای تامل و بررسی جدی دارد. همچنین اصل آزادی ارایه شده در دیدگاه لیبرال می‌تواند پذیرفته شود، مشروط به اینکه انسان‌ها قاعده‌های اخلاقی در زمینه‌های اقتصادی را رعایت کنند. این درحالی است که دیدگاه کمونیسم، یعنی دیدگاهی که مانع مالکیت خصوصی و اختیار افراد در انتخاب نوع شغل و نوع و مقدار مصرف است، نمی‌تواند از نظر اسلام پذیرفته شود.

منابع

- ابراهیمی، محمد حسین (۱۳۷۵) اقتصاد در قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- اسحاقی، سید حسین (۱۳۸۳) اقتصاد اسلامی و گستره آزادی در آن، نشریه رواق اندیشه، شماره ۳۲، صص ۵۴-۳۳.
- اسلامی، هاشم (۱۳۸۲) حق آزادی از منظر قرآن و لیبرالیسم، فصلنامه های پژوهش های قرآنی، دوره ۹، شماره پیاپی، ۳۵، صص ۱۵۹-۱۳۶.
- بشریه، حسین (۱۳۸۶) لیبرالیسم و محافظه کاری، نشر نی، چاپ هفتم.
- برلین، آیزایا (۱۳۷۳) در جست و جوی آزادی، ترجمه خجسته کیا، نشر گفتار، تهران.
- بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۰) آزادی، هرج و مرج، زورمداری، بنیاد نشر آثار اندیشه های آیت الله دکتر بهشتی.
- بهشتی، سید محمد (۱۳۷۳) اقتصاد اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم.
- بهشتی، سید محمد (۱۳۸۸) حزب جمهوری اسلامی (موانع تفضیلی)، بقعه، چاپ اول، تهران.
- تمدن، محمد حسین (۱۳۷۲) معیارهای عدالت از نظر رالز، خرد و آزادی، انتشارات باغ آینه، چاپ اول، تهران.
- دهشور، مسعود، محمود مقدسی و حمیدرضا شیرازی (۱۳۶۶) طرح و مبانی اقتصاد در قرآن، چاپ اول.
- دادگر، یدالله و سیدمحمدباقر نجفی (۱۳۸۰) مبانی فقهی پیشرفته اقتصاد اسلامی (تحلیل و تلخیص کتاب اقتصادنا)، ناشر نجبا، چاپ اول.
- دادگر، یدالله و محمدرضا آرمان مهر (۱۳۸۸) بررسی و نقد مبانی، معیار عدالت اقتصادی رالز، پژوهشنامه علوم اقتصادی، سال ۹، شماره ۳۵، صص ۶۰-۳۷.
- رالز، جان (۱۳۸۵) عدالت به مثابه انصاف: یک بازگویی؛ ترجمه عرفان ثابتی، انتشارات ققنوس، تهران.
- رالز، جان (۱۳۸۷) نظریه عدالت، ترجمه سیدمحمدکمال سروریان و مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- سید قطب (۱۳۷۸) عدالت اجتماعی در اسلام؛ مباحثی در زمینه های جامعه، اقتصاد، سیاست و حکومت، مترجم سید هادی خسروشاهی و محمد علی گرامی، چاپ ۲۵.
- سید قطب (۱۳۵۲) عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه سید هادی خسروشاهی و محمد علی گرامی، بی

جا، شرکت سهامی انتشار.

سید قطب (۱۳۸۷) فی ظلال القرآن، ترجمه مصطفی خرم دل، احسان، تهران.

سید قطب (بی تا الف) مقابله اسلام با سرمایه داری و تفسیر آیات ربا، ترجمه سید محمد رادمنش، بی جا، بنیاد علوم اسلامی.

سید قطب (بی تا ب) معالم فی الطريق، کتابخانه دیجیتال تبیان، دسترسی از

library.tebyan.net/fa/viewer/text

صدر، محمدباقر (۱۳۸۶) تأملی بر اقتصاد اسلامی، پگاه حوزه، شماره ۲۰۵.

صدر، محمدباقر (۱۳۸۱) سنت‌های تاریخی در قرآن کریم، مترجم سید جمال موسوی، انتشارات تفاهم.

صدر، محمدباقر (بی تا) بررسی سیستم‌های اقتصادی تنظیم از غلامرضا مصباحی، کانون انتشارات ناصر.

غفاری، مجتبی (۱۳۹۹) آزادی اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام و سرمایه داری از منظر رهبر معظم

انقلاب، معرفت، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ۱۲، شماره ۱، پیاپی ۲۳، صص ۸۸-۶۹.

حجف، منذر (۱۳۷۶) مقدمه‌ای بر اقتصاد اسلامی، ترجمه عباس عرب مازار، انتشارات سازمان برنامه و

بودجه، چاپ اول.

حجف، منذر (۱۳۸۴) دین و اقتصاد: نظام اقتصادی اسلام، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ۵، صص ۱۷۸-۱۵۷.

کهنوجی، مرزیه (۱۳۹۰) اقتصاد در قرآن، سفیر، سال ۵، شماره ۲۰، صص ۵۰۷-۱۸۵.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰) بررسی و نقد شاخص‌های جهانی آزادی

اقتصادی، دفتر مطالعات محیط کسب و کار، کد موضوعی ۳۲۰، شماره مسلسل ۱۲۰۷.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۰) نظری به نظام اقتصاد اسلامی، چاپ دوم، انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۵) انسان کامل، انتشارات صدرا، چاپ ۳۸، تهران.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹) یادداشت‌های شهید مطهری، انتشارات صدرا، قم.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۱) وحی و نبوت، انتشارات صدرا، چاپ ششم.

محبی، علی (۱۳۸۵) آزادی از نظر اسلام و غرب، فصلنامه الهیات و حقوق اسلامی دانشگاه سیستان، شماره

۳، صص ۲۰۸-۱۸۱.

مظفری، آیت (۱۳۸۸) مفهوم آزادی در اندیشه اسلامی، نشریه حصون، شماره ۲۰، صص ۲۰۵-۱۸۶.

موسوی اصفهانی، سیدجمال‌الدین (۱۳۶۸) ملاحظات پیرامون پیام‌های اقتصادی قرآن، چاپ اول، قم: دفتر

نشر فرهنگ اسلامی.

میراحمدی، منصور (۱۳۸۰) مفهوم آزادی از دیدگاه قرآن، علوم سیاسی، شماره ۱۵، سال ۴، صص ۱۲۳-

۱۱۹.

میر معزی، سید حسین (۱۳۸۷) آزادی ها و مسئولیت های اقتصادی مردم از دیدگاه اسلام، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ۸، شماره ۳۲، صص ۶۲-۳۷.

نصیری، علی اصغر (۱۳۹۸) بررسی مناسبات اقتصادی متعالی و آزادی اقتصادی متعالی در نظام اقتصادی اسلام، فصلنامه سیاست متعالیه، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۱۴۶-۱۲۷.

نمازی، حسین (۱۳۷۴) نظام های اقتصادی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

هیود، اندرود (۱۳۹۰) درآمدی بر ایدئولوژی سیاسی از لیبرالیسم تا بنیادگرایی دینی، ترجمه محمد رفیعی، چاپ پنجم، انتشارات وزارت امور خارجه.

یوسفی، احمد علی (۱۳۹۱)، آزادی اقتصادی انسان محور بر آموزه های اسلامی، مجموعه مقالات چهارمین نشست اندیشه ها راهبردی، صص ۱۶-۱.

Gray, J. (۱۹۸۴). Hayek: On Liberty Oxford: Basil Blackwell.

Gwartney J & Lawson R (۲۰۰۳), The concept and measurement of economic freedom, European Journal of Political Economy, Volume ۱۹, p.۴۰۵-۴۳۰.

Hayek, F.A. (۱۹۴۴). The Road to serfdom. London: Routledge and Kegan Paul.

Hayek, F.A. (۱۹۴۹). Individualism and Economic Order. London: Routledge and Kegan Paul.

Hayek, F.A. (۱۹۶۰). The Constitution of Liberty. London: Routledge and Kegan Paul.

Rawls, J (۱۹۷۱ & ۱۹۸۶) A Theory of Justice, Oxford University Press.

Rawls, J (۲۰۰۰b) A Theory of Justice, Harvard University Press, second printing.